

احمد و اشكر من جعلنى فائزاً بنفحات بيانكم ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی

- شماره ۷

آقا و سرور معظم جناب مبلغ علیه من کلّ بهاء ابهه

۱۵۲

هو الأقدس الأعظم الأبدع العلیّ الأبهی

احمد و اشكر من جعلنى فائزاً بنفحات بيانكم اسبح و اقدس من جعلنى مهتراً بظهورات و دكم و شؤونات حبكم و اثنى من لا يثنى بدونه بما جعل الخادم الفانى مشرفاً بكتابكم الذى دلّت و حكت كلّ كلمة منه بل كلّ حرف بخلوصكم لله ربّ العرش و الثرى و حبكم من كان مسجوناً بين الورى لعمرى يا من جعلك الله خليلاً لنفسه و مبلغاً لأمره انّ الخادم يحبّ ذكركم و ثنائكم و البيداء الذى يحول فيه قلبكم على شأن لا يقوم القلم بذكره و لا اللسان ببيانه يشهد بذلك قلبى و قلبكم و عن ورائهما مولى الورى محبوبنا و محبوبكم اسأله تعالى بأن يجعل فرات عنايتكم سارياً و مداد الطافكم سائلاً و عرف بيانكم متضوعاً ليسترّ به قلبى و تقرّ به عينى انه هو المعطى المتعالى المحيب الكريم

كينونى و ما وهبى الله لذكركم الفداء بعد مدّة مديدة و قرون طويلة و عهود لا تحصى قد تشرفت بما اردته فى اللّيل و الأيام و اذا فتحت و قرأت صعدت و عرضت تلقاء وجه الله المقتدر العلىّ العظيم فلما تمّ ذكركم و مناجاتكم اذا فتح لسان العظمة و قال جلّ اجلاله يا ايها الخليل قد ارتفع ندائك الى ان تشرف باصغاء ربك العلىّ الأبهى و كتابك بهذا المنظر الكريم انا سمعنا ذكرك من لسان العبد الحاضر لدى العرش اذ كان قائماً و عرض ما ناديت به الله ربّ العالمين ان افرح بما يذكرك المحبوب من ملكوته الأعلى انه هو الكريم ولو انّ الغمام منع افق السّور ولكنّ المحبوب فى بحبوحة البلاء يدع الورى انه هو الذاكر الخبير ان اطمئنّ بفضل الله و علمه انه يعلم ما انت عليه و انا الخبير انه قبل ما عملته فى سبيله و ما اردته فى هذا اليوم الذى فيه ينادى الملك و المملوك بما تحرّك به قلبى الأعلى و انا السميع ان افرح بذكرى ثمّ اقرأ ما نزل من سماء مشيتى كذلك يذكرك المظلوم اذ كان بين ايدى الغافلين قل ما ورد علىّ من اعدائى انه هو السبب الأعظم لارتفاع امرى بين عبادى و ذكرى بين خلقى و انا البصير ان اذكر ايامى ثمّ اشرب صافى كأس السّور باسمى و عنايتى و انا المعين

1. ارقام ۲ و ۵ و ۱ بر طبق حساب ابجد بترتيب معادل عددی حروف "ب" و "ه" و "الف" است که مجموع آنها کلمه "بها" را تشکیل میدهد.



ORIGINAL

انه معك في كل الأحوال يشهد بذلك ما انزلناه باسمك ان ربك هو الفضل البديع المنيع كبر من قبلي على من معك ثم اذكره بذكرى الجميل انتهى

اینکه مرقوم فرموده بودند خوبست چنینم وا گذاشته اند اشتعال را مددی نمیفرمایند الی آخر بیانکم مخصوصاً در ساحت امنع اقدس عرض شد اذاً نطق لسان العظمة بما طارت به الصخرة قال و قوله الأهلی یا خلیلی انا امددناک بأسباب السموات و الأرض و نمدک بما لا اطلع به احد الا الله المهيمن القيوم قد اسمعناک ندائی و اریناک افق امری و سقیناک رحيق وحي و اشعلناک من نار ما مسها الدخان ان ربک هو الودود قد اجذبک صریر قلبي الأعلى الی افقی الأبهی و عرفک ما هو المقصود من الغیب و الشهود لعمری ان لک المقام و انا الحمد انا قد خلقناک و اظهرناک و ایدناک و عرفناک ما هو المستور عن الأبصار و انک انت الشاهد علی ذلک و انا المشهود اذا اسکرک نحر بیانی و کوثر کلامی قل

یا مالک ناصیتی و محبوب فؤادی اشهد ان فضلک احاطنی و رحمتک سبقتنی و انت الذی زینتني بطراز اسمک الأبهی فی ملکوت الأسماء يشهد بذلك كل الأشياء و عن ورائها نفسک المهيمنة علی الملک و الملکوت

کذلک رشنا علیک من بحر عنایتی لتكون من الفرحين انتهى

و اینکه در باره سرکار خان علیه بهاء الله مرقوم فرموده بودند و حکایت آن خائن طاغی لمیزل و لایزال از اینگونه خناس و نسناس مابین ناس بوده مع آنکه این عبد در بعض عرایض که خدمت دوستان الهی و شاریان رحيق محبت رحمانی معروض داشته این فقرات را مفصلاً عرض نموده که بسی از مردم که حقیقه کذب و کینونه خیانتند بطراز امانت و صدق مابین عباد ظاهر میشوند باید دوستان الهی فریب اینگونه اشخاص را نخورند و بادعاهای محضه آنچه میگویند نپذیرند مع ذلک شخصی از احباً از ارض حدبا بساحت اقدس توجه نمود و شخص خادع مکاری با او همراهی نمود و اظهار عبودیت و ایمان و حبّ کرد بشأنی که فوق آن متصور نه و بعد در منزلی از منازل آنچه بود برداشته و قصد دیار اخری نمود ولکن در این ممالک نتوانست در هیچ محل بیرون بیاید ترس و خوف بشأنی او را اخذ نمود که قیمت آن اسباب را بتلغراف خبر دادند که تسلیم مینماید و تسلیم هم نمود مع ذلک چند یوم بعد شخص دیگر از احباً با یکی از قاطعان طریق آشنا شد و آن خادع کذاب اظهار دوستی و مودت نمود و در همان شب اول آنچه با آن شخص بود برداشت و رفت از حقّ میطلبیم که جمیع را مؤید فرماید بر عمل بحکمت تا کل ببصیرت عمل نمایند و ببعض اقوال مطمئن نشوند

و اینکه در باره آقا خان مرقوم فرموده بودید بساحت اقدس عرض شد فرمودند هذا ما اخبرک به الصادق الأمين البتّه بعد از ظهور حجت و برهان هر نفسی از محبوب عالمیان اعراض نماید بسزای عمل خود خواهد رسید عالم منقلب است و انقلاب او یوماً فیوماً در تزیید و وجه آن بر غفلت و لامذهبی متوجه و این فقره شدت خواهد نمود و زیاد خواهد شد بشأنی که ذکر آن حال مقتضی نه و مدتی بر این نهج ایام میروند و اذا تمّ المیقات يظهر بغتة ما یرتعد به فرائص العالم اذا ترتفع الأعلام و تغرد العنادل علی الأفنان انتهى

و اینکه در باره ملا حسن مرقوم فرموده بودید عریضة ایشان در ساحت اقدس عرض شد و شمس بیان از افق اراده محبوب عالمیان مشرق انشاء الله جناب مذکور بآن فائز شوند

و اینکه فقرات جناب ذبیح علیه بهاء الله را مرقوم فرموده بودند فی الحقیقه ایشان از اول امر تا حال بکمال استقامت بذکر حق مشغول بوده‌اند و مکرراً هدف سهام بلا واقع شده‌اند از حق جلّ و عزّ می‌طلبم که ایشان را در کلّ احوال مؤید فرماید و از شرّ باغین و طاغین محفوظ دارد

و اما در باره جناب ابابدیع علیهما بهاء الله که نوشته بودند طوبی له ثمّ طوبی له ایشان بکمال استقامت جان را در ره دوست نثار نمودند قد شرب من کأس فاز بها ابنه قبله قد نزل له من القلم الأعلى ما فاحت به نفحة القمیص فی العالم چه قدر خوب واقع شد که در ابتدا از ایشان امری مغایر و مخالف حکمت ظاهر نشد و بعد از اخذ و حبس ظهر منه ما ظهر قد شهد بما هو علیه السن الأعداء فضلاً عن الأحباء الذین توجّهوا بوجوههم و قلوبهم الی وجه الله الباقی الدائم العزیز المنیع

عرض دیگر آنکه شاربان کوثر معانی که در آن ارض حاضرند خدمت هر یک عرض فنا و نیستی معروض میدارم و از حقّ می‌طلبم از برای کلّ مقدّر فرماید آنچه را که سبب بقا و هستی وجود است انه هو المعطی الکریم

و جناب حاجی میرزا حسین انشاء الله در جمیع احوال موفق و مؤید باشند و بر امر الله قائم و مستقیم امید چنانست که در جمیع احیان نفحات قلبیه آن حضرت که فی الحقیقه مایه فرح و علّت ابتهاجست متضوّع باشد البهاء علی حضرتکم و علی من معکم و یحبّکم لله ربّ العالمین احبّاً و طائفین حول هر یک عرض خلوص و فنای صرف خدمت آن حضرت معروض میدارند

خادم

فی ۱۲ شوال ۱۲۹۵